

تپه سحی شهری در ایران باستان

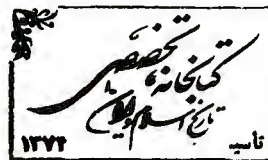
ترجمه و تلخیص :

حسین تجتاری

ضمیمه مجله بررسیهای تاریخی شماره ۳ سال نهم

تقدیم جناب استاد محترم
کتاب
۱۳۵۴/۱۱/۱۸

تپہ سحی شہری دایران باتسان



ترجمہ و تلخیص :

حسین بختیاری

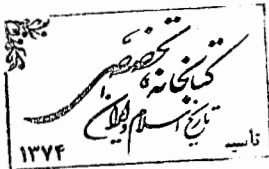


نوشته: مارتا و کارل لمبرگ کارلوسکی

ترجمه و تلخیص:



حسین تجیاری



تپه سخی

شهری در ایران باستان

دولت عیلام و همسایه مشهور تر آن سومر در زمزه کهنسال ترین کشورهای متمدنی بودند که در خلال هزاره چهارم پیش از میلاد در سرزمینهای خوزستان و بین النهرین طالع کردند. هم اکنون کاوشهای باستانشناسی نشان میدهند که قلمرو تمدن کشور عیلام تا مسافت پانصد مایل (کمی بیش از هشتصد کیلومتری) شرق آن سرزمین را نیز در بر گرفته بود. ناحیه کوهستانی جنوب شرقی ایران که در فاصله ۶۰ مایلی (حدود ۹۶ کیلومتر و نیم) دریای عمان قرار دارد محلی بود که از ۳۴۰۰ سال پیش از میلاد به مدت ده قرن دومین مرکز مدنیت عیلام بشمار میرفت.

آنچه امروزه از شهری که روزگاری در حد فاصل رود فرات و دره سند واقع بود برجا مانده تپه خاکی عظیمی است که ارتفاع آن از سطح دریا ۴۵۰۰ پا (۱۳۷۱ متر و نیم) بوده و در دره صوغان به مسافت ۱۵۰ مایلی (حدود ۲۴۱ کیلومتری) جنوب کرمان قرار

دارد. این مکان در محل به «تپه یحیی» مشهور است، بلندی آن ۶۰ و قطر دایره آن ۶۰ پا (مختصری بیش از ۱۸۲ × ۱۸ متر) میباشد. مدارك آثار زندگی در این تپه بایك دهكده دوره نوسنگی به قدمت ۶۵۰۰ سال آغاز میگردد و به يك ارگ ساسانی پایان می پذیرد (سلسله ای که در آغاز دوران مسیحیت بر ایران فرمانروائی داشت). آثار طبقات میانی تپه یحیی وجود روابطی بین این شهر خاوری عیلامی را با مراکز فرهنگی باختری آن کشور تأیید می کند. اینگونه مدارك وشواهد ارزنده باستانشناسی از نظر بررسی فرهنگ بشری از عصر کشاورزی تا عهد شهرنشینی اعتبار فراوان دارد لیکن سه موضوع غیرمنتظره باعث اهمیت بیشتر تپه یحیی گردیده است: نخست نوشته های لوحه های گلی که در یکی از طبقات پائین تپه بدست آمده و آزمایش کربن ۱۴ بر روی مواد آلی پیشینه آنرا به پیش از سال ۳۵۶۰ (±۱۱۰) قبل از میلاد میرساند. این لوحه ها دارای خطوط معروف به پروتو عیلامی هستند. کتیبه های عیلامی و سومری قدیمی ترین خطوطی است که تاکنون در نقاط دیگر نشانی از آن بدست نیآورده اند.

لوحه های تپه یحیی در ردیف نخستین نمونه هائی بشمار میرود که میتوان قدمت دقیقی برای آنها تعیین نمود و از این بابت نظیر ندارد. شگفت اینست که چنین نوشته هائی (قدیمی ترین نوشته های شرقی که تاکنون شناخته شده است) در محلی بدین دوری از سرزمین بین النهرین پدیدار گشته است.

دومین مطلب شگفت آور کشف اطلاعاتی در مورد روابط بازرگانی بین عیلام با کشور سومر از لحاظ کالائی است که کمتر مورد داد و ستد واقع بود و این کالا بنام استی تایت Steatite میباشد که بصورت تخته سنگی است که بسهولت آنرا می تراشند و بسنگ

صابون شهرت دارد و بخش عمده تجارت تپه یحیی را تشکیل میداده است بخلاف سومر که محصور در دشتهای سیلخیز است ، سرزمین عیلام کشوری بود کوهستانی و سرشار از منابع طبیعی . صادرات عیلام به سومر عبارت بود از : نقره ، مس ، قلع ، سرب ، گوهرهای قیمتی ، اسب ، چوب ، ابسیدین ، مرمر سفید ، دیوریت و سنک صابون . کشف این مسئله که تجارت سنک صابون برای سومر از تپه یحیی که تا این حد دور و در جانب شرق آن کشور واقع بود صورت میگرفته است اطلاعات ما را در مورد بازرگانی هزاره چهارم پیش از میلاد کامل تر میکند .

سومین مطلب اینکه کشف تپه یحیی بر اطلاعات مادر خصوص حدود کشور باستانی عیلام می افزاید . شوش ، مشهورترین شهر عیلام از مراکز مهم سومری همچون اور « ur » و اریدو Eridu چندان مسافتی نداشت ، در صورتیکه شهرهای دیگر عیلام که در یکی از کتیبه ها ذکری از آنها رفته (از قبیل آوان «Awan» یا ماداکتو «Madaktu») محل اصلی شان هنوز معلوم نیست ، کشف شهر عیلامی آبادی چون تپه یحیی در چنین مسافت دوری در مشرق بین النهرین بسیار — شگفت انگیز و غیر مترقبه و در عین حال تا اندازه ای راه گشا است ، و این مطلب دال بر آنست که چگونه تمدن های شهری که در عیلام و بین النهرین سفلی طلوع کرد از جانب خاور تا دره سند راه یافت . سر اورل اشتین مکتشف و باستان شناس انگلیسی نخستین کسی است که خاطر نشان نمود که جنوب شرقی ایران از نظر دارا بودن آثار پیش از تاریخ ناحیه مهمی است — دانشمند نامبرده در ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۰۹ خورشیدی) دو محل را مورد بررسی قرار داد یکی تل ابلیس نزدیک کرمان و دیگری بمپور در بلوچستان — تل ابلیس اخیراً توسط ژوزف کالدول از دانشگاه جورجیا و بمپور توسط

کادری از انجمن باستانشناسی بریتانیا مورد کاوش واقع شد .
تپه یحیی اگرچه بزرگترین تپه باستانی در جنوب شرقی ایران
است تا تابستان ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ خورشیدی) ناشناخته بود و در این
سال در خلال بررسیهای باستان شناسی از طرف موزه پی بادی دانشگاه
هاروارد کشف گردید .

تاکنون سه موسم حفاری بامشارکت اداره باستانشناسی ایران
در تپه یحیی انجام یافته و شش دوره اسکانی مهم در آن تشخیص دادیم .
این محوطه باستانی تقریباً بطور مداوم از نیمه هزاره پنجم پیش از
میلاد تا ۴۰۰ پس از میلاد مسکون بوده است . در پایان دوره عیلام
یعنی حدود ۲۲۰۰ پ-م وقفه ای بمدت ۱۰۰۰ سال در تپه یحیی
مشاهده میشود که دلیل آن هنوز روشن نیست . بهر حال تپه یحیی
تا ۱۰۰۰ پ-م غیر مسکون باقی ماند تا اینکه مجدداً توسط مردمی
که دارای فرهنگ عصر آهن بودند مورد سکونت قرار گرفت .

قدیمی ترین نشانه های سکونت بشری در تپه یحیی که روی خاک
بکر وجود دارد تعدادی خانه های کوچک خشتی است که آثار باقی
مانده آنها در پنج لایه رویهم قرار گرفته است آزمایش کربن ۱۴
ثابت کرد که قدیمی ترین این آثار مربوط به نیمه هزاره پنجم پیش
از میلاد است و بناهای آن دوره کهن بصورت محوطه های کوچک
چهارگوشی بود و اندازه هر ضلع آن به حدود پنج فوت (یک متر و
نیم) میرسد . اغلب اطاقها فاقد درگاه است و ورود و خروج
احتمالاً از طریق روزن موجود در سقف صورت میگرفت . دیوارها
از خشت هایی است که بادست تهیه کرده و در آفتاب خشک کرده اند .
وجود قطعاتی از چوب، نی و حصیر در کف اطاق ها نشانه ای از
سقف های فرو ریخته است . آلات و ابزار پائین ترین لایه یعنی دوره
۶ (عصر نوسنگی) از استخوان و سنگ چخماق ساخته و پرداخته شده

و قطعات سنك چخماق آن بسیار كوچك است - این قطعات بصورت لبه هائی است كه يك دسته استخوانی بدان افزوده اند . ظروف سفالی از سفال نوع خشن ساخته شده خمیرمایه آن مخلوط باكاه است . ظروف نامبرده بصورت ساغرها و خمره های بزرگ بوده و رنگ آنها قرمز است . در اواخر دوره ۶ قطعاتی از ظروف سفالی ظریف ظاهر میشود ، از جمله يك ظرف نخودی با رویه ای صاف و ظرف دیگری بانقوش برزمینه سیاه ، در زیر كف بعضی از اطاق ها استخوان های انسانی بدست آمده كه همه آنها مربوط به کودکان است . پیش از دفن اندام درگذشتگانرا بطرف تنه جمع میکردند - همراه با استخوانها ساغرهائی از نوع ظروف خشن قرار داشت . در كف یکی از اطاقها روی مجموعه ای از سنك چخماق و استخوان يك پیکره (مجسمه) كوچك بدست آمد . درازی این پیکره ۱۱ اینچ (قریب ۳۰ سانتیمتر) و جنس آن سنگ صابونی سبز تیره است . نحوه تراش و طرح این پیکره حالت زنانه دارد، لیکن کشیدگی و باریکی آن و وجود حفره ای در بالای سر پیکره مظهر دوگانه ای را مینماید كه آمیخته ای از صفات مردانه و زنانه است.

ظاهراً فرهنگ نوسنگی دوره ۶ نمودار فعالیت های کشاورزی و دامپروری بوده است . استخوانهای بدست آمده مربوط به غزال وحشی ، گاو ، گوسفند و بز است . استخوان شتر نیز بدست آمده ، لکن معلوم نیست كه این حیوان در این دوره اهلی شده بود یا خیر . رستنی ها شامل انواع غلات و حبوبات است . امروزه در اراضی تپه یحیی محصولات بطریق آبیاری كشت میشود ، ولی معلوم نیست كه در دوره نوسنگی نیز همین روش جاری بوده یانه بهرحال اسكان نوسنگی در این تپه تقریباً تا ۳۸۰۰ پیش از میلاد ادامه داشت .

انتقال از دوره ۶ به عهد مفرغ قدیم بدون هیچگونه وقفه ای

صورت گرفت. بناهای دوره ۵ (عهد مفرغ) سفالهای خشن نوع پیشین را نیز در بردارد، سفال ظریف منقوش بیشتر معمول شده و شامل انواع جدیدی است. نوعی از این سفال دارای زمینه قرمز و تزئین هندسی مرکب از خطوط منکسر سیاه رنگ شبیه (۸) است. ما این سفال مشخص را که با نقوش سیاه بر زمینه قرمز است «سفال یحیی» نامیده و اشیاء مکشوفه از دوره ۵ را «آثار تمدن یحیی» می خوانیم. رایج ترین نمونه ظروف یحیی ساغرهای سفالین است. این ظروف غالباً دارای علامتهای استادان سازنده در قسمت قاعده آنها است و تاکنون استنباط ما آنست که این علائم نشانه های ویژه و مشخصی نیست. دلیل این موضوع که روابط خارجی و تجارت بخشی از زندگی عصر مفرغ قدیم تپه یحیی را می نمایاند از طریق کشف تل ابلیس بدست آمد. تل ابلیس در ۱۰۰ مایلی (نزدیک ۱۶۱ کیلو متری) کرمان قرار دارد. مشخص ترین وجه تشابه بین تپه یحیی و تل ابلیس نمونه های سفالهای منقوش دارای علامتهای استادان سازنده آنها است. نشانه های دیگری از روابط ناحیه ای وجود دارد، ظروف یحیی مشابهت هایی با ظروف منقوش نقاط دیگر جنوب خاوری ایران دارد.

ادوات مفرغی دوره ۵ مانند بسیاری از قدیم ترین لوازم مفرغی جهان نه تنها از طریق ترکیب فلزات تهیه می گشت بلکه بوسیله استفاده از سنگ مس محتوی عناصر دیگر نیز ساخته میشد، نظیر همین کار در سومر قدیم با سنگهای معدنی وارده از عمان انجام می گرفت، سنگهای مزبور محتوی درصد فراوانی نیکل بود. مفرغ سئازان باستانی مناطق دیگر سنگهای معدنی مس را که دارای ترکیب فراوانی از ارسینک بود می گداختند، اسکنه ها، درفش ها، سنجاق ها و مرهم کش های تپه یحیی از این گونه مفرغهای ارسینک دار ساخته شده است.

نش شیئی مفرغی مکشوفه از تپه یحیی توسط متخصصان مورد آزمایش قرار گرفت ، در این آزمایش معلوم شد که اشیاء مزبور از طریق گداختن تهیه شده بود، و این مطلب دال بر آنست که فلزکاران دوره ۵ قادر بودند حرارت زیادی که لازمه گداختن سنگهای معدنی مس و تبدیل آنها به فلز ریختگی است ایجاد نمایند. با وجود این نمونه های آخر این دوره از طریق ریخته گری ساخته نشده، بلکه در کوره های سرد و گرم یعنی با همان شیوه های فنی اولیه ساخته شده است. با آزمایشی که روی يك اسکنه صورت گرفت معلوم شد که محتوی ۳۷ درصد آرسینک میباشد و این مطلب می رساند که فلزکاران به چگونگی فن آگاه بودند و جهت گداختن ، سنگهایی را انتخاب میکردند که محتوی مقادیر زیادی آرسینک باشد. این مطالب جملگی مسئله تجارت را در تپه یحیی تأیید میکند ، زیرا هیچ يك از معادن محلی این ناحیه سنگهای معدنی محتوی آرسینک با درصد زیادی نیست .

با شروع دوره ۴ ، حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد ، ظهور خط در تپه یحیی این امر را ممکن میسازد که شهر مزبور بعنوان يك جایگاه پروتو عیلامی قلمداد گردد . بیشتر سفالهای مکشوفه از دو مرحله تحتانی این دوره از لحاظ شکل و تزئین مشابه نوع سفالهای تمدن یحیی است . با وجودی که مدارك فراوانی از درگیریهای خارجی وجود دارد ، معینا انتقال بدوره ۴ در تپه یحیی همچون دوره قبلی بدون هر گونه وقفه ای صورت پذیرفت . معماری به نحو قابل ملاحظه ای تغییر شکل یافت ، بنا از حالت خانگی خارج شده و تبدیل بیک ساختمان اداری گردید . ساختمان بزرگی که متعلق به دوره IV-C است دارای دیوارهایی با جهات شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بوده و دیوارها از سه ردیف خشت ترکیب شده است . تاکنون

در این ساختمان بزرگ پنج اطاق مشخص شده است و فقط قسمتی از يك اطاق را کاوش کردیم. بخشی از این اطاق که ابعاد آن ۲۰×۱۰ فوت (حدود ۶×۳ متر) است اشیائی در بردارد که قویاً مؤید نقش بازرگانی بنا است. در این اطاق ۳ خمره بزرگ خالی پیدا شد، نزدیک خمره ها ۲۴ مهرگلی و تعدادی مهر استوانه‌ای بدست آمد. طرح این مهرها مشابه مهرهای مکشوفه از شوش است. این کشف تأیید کننده آنست که از شوش کالاهائی به تپه یحیی صادر میشد. در کف اطاق مزبور ۸۴ لوح ساده گلی و ۶ لوح گلی نوشته قرار داشت لوحها جملگی يك شکل بوده و از گل نیخته تیره قهوه‌ای ساخته شده‌اند اندازه هريك از آنها $۲ \times ۱\frac{۱}{۴}$ اینچ (قریب ۶×۴ سانتیمتر) است. ۶ لوح گلی نامبرده جمعاً ۱۷ سطر نوشته پروتو عیلامی دارد. این نوشته روی گل نرم و با قلم نقر شده، و از راست به چپ از بالا به پائین خوانده میشود. اکنون نوشته‌های تپه یحیی از صورت رمز بدرآمده، پژوهش‌های مقدماتی دال بر آنست که این مطالب گزارشها یارسیدهای مربوط به امتعه و کالاهاست. بدست آمدن لوحهای نوشته دارو ساده در يك اطاق این مطلب را تأیید میکند که عمل نوشتن در همین محل صورت گرفته است، بنابراین کالاهائی که در نوشته‌ها ذکری از آنها رفته میبایستی بدین مکان وارد و یا از این محل صادر شده باشد. پیش از کشف لوحها در تپه یحیی فقط در شوش و سیلک از این گونه لوحها بدست آمده بود. از شوش ۱۵۰۰ لوح پروتو عیلامی و از سیلک فقط ۱۹ لوح کشف گردید. اخیراً در شهداد، واقع در شمال کرمان که کاوشهائی از طرف اداره باستانشناسی ایران صورت گرفته است نوشته‌ی نوع پروتو عیلامی بدست آورده‌اند، خطوط شهداد روی لوح نیست بلکه بصورت نوشته‌های کوتاهی است حداکثر با ۷ علامت که روی سفال کنده شده‌اند.

دومین تغییر شکل در معماری ساختمان منفرد دوره IV-B که تا کنون کاوش شده کاملاً آشکار است. این بنا محوطه‌ای به اندازه 24×9 فوت (حدود $7/3$ متر $\times$ $2/74$ متر) را دربر گرفته و جهت آن شمالی-جنوبی و شرقی-غربی نیست. بنای نامبرده را باخشت‌هایی به اندازه‌ها و شکل تازه ساخته‌اند. خشت‌ها مستطیل شکل به درازی ۱۴ تا ۱۷ اینچ (قریب 45×37 سانتیمتر) است، این ساختمان از دو اطاق اصلی و چند اطاق کوچکتر که محتوی مخازن بزرگی است تشکیل میشود. دیوارها از یک ردیف خشت ساخته شده، بدنه داخلی دیوارها پوشیده از اندود است. ظروف موجود در یکی از اطاق‌های اصلی هنوز محتوی حبوبات است، دانه‌های حبوبات سوخته شده است. حصیرهای موجود در کف و خشت‌های روی دیوار که سوخته دال این حقیقت است که ساختمان مورد بحث در اثر آتش‌سوزی ویران گشته است. در میان زباله‌های کف اطاق‌ها مهرهای استوانه‌ای بدست آمد این مطلب برای نخستین بار در تپه یحیی مشاهده گردید. ضمناً مهرهای مسطح یا دکمه‌ای نیز در این نقطه بدست آمد.

تعدادی لوازم مفرغی از دوره IV-B بدست آمده که بصورت سوزن و اسکنه همراه با اشیائی که از سنگ صابونی ساخته بودند بدست آمد. احتمالاً این اشیاء مفرغی برای تراش سنگ صابون بکار میرفت. یک خنجر مفرغی نیز بدست آمد که طبق تشخیص کارشناسان آنرا بوسیله چکش کاری و کوفتن فلز ساخته‌اند، لوازم مفرغی دوره ۵ نیز بهمین طریق تهیه میشد. آزمایشهایی که بر روی خنجر نامبرده انجام دادند ثابت کرد که بخلاف اشیاء مفرغی دیگر این خنجر ترکیبی از قلع به مقدار سه درصد است، باتوجه به اینکه در این بخش از ایران قلع یافت نمیشود، لذا این خنجر را

میبايستی از جای دیگر به تپه یحیی آورده باشند .
اثبات اینکه خطوط مکشوفه از تپه یحیی بهمان قدمتی است که در جاهای دیگر شناخته اند کشف بااهمیتی در پیش از تاریخ ایران محسوب میشود . مساله دیگر ، احتمالاً فراوانی مدارکی دال بر یک واحد اقتصادی شهری است که اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد به ظهور میرسد . آزمایش کربن ۱۴ ثابت میکند که دوره IV-B در تپه یحیی از اواخر هزاره چهارم تا ابتدای سده دوم هزاره سوم بطول انجامید . در طی این دوران شهر نامبرده مرکز مهمی جهت تهیه اشیاء ساخته شده از سنگ صابونی بود .

اشیائی که از سنگ صابون ساخته شده بصورت مهره های ساده تا ساغر های جالب بوده و جملگی شباهت بسیار به اشیاء مشابهی دارد که در دورترین مراکز تمدن دوران مفرغ همچون موهنجودارو ، مرکز تمدن هاراپا در دره سند و همچنین در ماری واقع در بین النهرین مشاهده گردیده است . ناحیه بین النهرین از لحاظ منابع طبیعی سنگ صابون فقیر بوده و دره سند نیز محصول قابل ملاحظه ای از این گونه نداشت بنابراین از چه محلی این محصول خارجی را تهیه میکردند . منابع سومری و آکادمی برای تهیه مواد اولیه بعضی از اشیاء لوکس از مکانهای نامیبرند که امروزه معنی روشن نمیدهد و محل فعلی آنها مشخص نیست ، از قبیل دیلمون Dilmun ، مالوها Malluhha و ماگان Magan . پژوهش های انجام شده توسط دانشمندان دانمارکی در جزیره بحرین ثابت کرده که این جزیره همان «دیلمون» باستانی است . ضمناً اعتقاد عمومی بر این است که مالوها در نقطه ای در دره سند قرار دارد .

پیش از آنکه کاوش تپه یحیی را شروع کنیم تصور میشود که ماگان در جنوب شرقی ایران واقع است . کاوشهای مابطور قابل

ملاحظه ای به این فرض قوت بخشیده است. در يك متن ناقص سومری چنین آمده است: «ممکن است سرزمین ماگان برای شما مس فراوان و مقادیر زیادی دیوریت و سنگ شاماش (ارمغان) آورد» آیا امکان دارد که مقصود از سنگ شاماش همان سنگ صابون باشد؟ آیا تپه یحیی و سرزمین های اطرافش مرکزی برای این تجارت بود؟ بهتر است این مدارك را در محل حفاری جستجو کنیم.

اشیاء سنگ صابونی در تپه یحیی بیش از هر نقطه دیگری در خاور میانه بدست آمده و تعداد آن بیش از ۱۰۰۰ قطعه است که قسمت اعظم آن به دوره IV-B تعلق دارد. این قطعات به صورت، مهره، دکمه، مهر استوانه ای، پیکره و جام مشاهده شده است. قطعات ناتمام و ناقص می رساند که تپه یحیی مرکز تولید اشیاء سنگ صابونی بوده و صرفاً يك منطقه واسطه ای و انتقالی شمرده نمی شده است. تعداد اندکی از ساغرهای ساده ولیکن قسمت اعظم آن دارای کنده کاریهای استادانه ای است. این تزئینات بصورت هندسی و طرحهای منحنی و نقوش حیوانی و تصاویر انسانی است. در میان آنها نمونه هایی از طرحهای اصلی وجود دارد که در ساغرهای سنگ صابونی متعددی که در دوران مفرغ در بین النهرین و دره سند مورد کاوش قرار گرفته نمودار گشته است. علاوه بر آن طرحهای موجود در سفالهای مکشوفه از نقاطی همچون بمپور در شرق تپه یحیی و در «ام اننای» در خلیج فارس در ساغرهای سنگ صابون دوره IV-B تکرار شده است.

در خلال کاوشهای ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ خورشیدی) محل یکی از نقاطی را که احتمالاً معدن سنگ صابون تپه یحیی بود، کشف کردیم. بر يك صخره مشخص در کوههای آشین واقع در ۲۰ مایلی (کمی بیش از ۳۲ کیلومتری) تپه یحیی آثاری از کندوکاو و تراش خوردگی در

عهد باستان نمودار است. بعید بنظر میرسد که منابع تولید فقط همین يك محل بوده باشد. رگه‌های سنگ صابون اغلب همراه با پنبه‌نسوز و کرومیت است، در ۱۰ مایلی (مختصری بیش از ۱۶ کیلومتری) تپه یحیی يك معدن سنگ کرومیت وجود دارد. رگه‌های پنبه‌نسوز رادر سنگهائی که در خلال کاوش بدست آمد مشاهده کردیم. با بررسی در کوههای شمالی این منطقه امکان دارد که منابع دیگری را مشخص نمائیم.

با توجه به مقادیر معتنا بهی از اشیاء ساخته شده از سنگ صابونی مکشوفه از تپه یحیی و وجود مدارکی که این اشیاء در این محل تهیه میشده و تکرار طرحها و عناصر تزئینی ساغرهای تپه یحیی در اشیاء مشابه آنها در بین النهرین و هارپا نتیجه می‌گیریم که تپه یحیی تهیه کننده عمده سنگ صابون و مرکز این تجارت بوده است.

دوره ۴ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد بطول انجامید. بعد از آن وقفه‌ای در تپه یحیی ملاحظه میشود. سکونت مجدد در این محل مربوط بعهد آهن است که تقریباً از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ سال پیش از میلاد ادامه داشته و دوره سوم رادر برمی‌گیرد. صفت مشخصه این دوره بناها و سفال‌هایی است که شباهت زیادی از حیث شکل و تنوع با اشیاء مشابه خود در ناحیه شمال غربی ایران در عهد آهن دارد. طبیعت این فرهنگ و ارتباط این آثار با آثار عصر آهن نقاط مجاور هنوز روشن نیست.

دوره ۲ در تپه یحیی حدود ۲۰۰ سال طول کشید و مربوط به عهد هخامنشی است. از این دوره يك ساختمان بزرگ بدست آمده که مصالح آن از خشت است. تاکنون دو اطاق از این ساختمان کاوش شده، مدارك موجود می‌رساند که این ساختمان يك بنای مسکونی بوده است.

آخرین دوره فرهنگی تپه یحیی، حدود ۶۰۰ سال بطول انجامید

و مربوط به دورانهای اشکانی و ساسانی است و دوره ۱ را شامل میشود. از این دوره قسمتهائی از يك مجموعه ساختمانی را که محتوی حیاطها و يك سکوی خشتی بزرگ مرکب از چهار ردیف خشت است مورد کاوش قرار دادیم. این مجموعه که بخشی از آن آشکار گردیده احتمالاً ارگی بوده که در بالای تپه ساخته بودند. بیشتر سفالهای عصر ساسانی بصورت خمرهائی با بدنه ضخیم است. فراوانی مهره ها و بطریهای سفالی و شیشه ای که شاید عطر دان بوده است از بهبود وضع اقتصادی این دوره حکایت می کند. وجود شمشیرهای آهنی، مفرغی، تبرها و پیکانها دلیل بر يك موقعیت نظامی است. از این دوره يك اثر برجسته هنری بصورت يك پیکره كوچك گلی داریم که يك مرد جنگی را با يك سر بند نشان میدهد. پس از این دوره ششصد ساله در طول مدت زمان کوتاهی حدود قرن پنجم میلادی این تپه توسط اقوام خانه بدوش مورد سکونت قرار گرفت. از اوایل عصر اسلامی فقط قطعات پراکنده ای از اشیاء این دوره وجود دارد و هیچگاه این محل مورد سکونت قرار نگرفته و مطلب مهمی از این عهد دردست نیست.

تپه یحیی چه نقشی در انتقال سنتهای فرهنگی از شرق به غرب داشته است؟ اکنون مسلم گردیده فرهنگ عیلامی که بیشتر از آنچه پیش از این تصور میرفت، دامنه داشت وسیله سودمندی برای رابطه بین نخستین تمدنهای بین النهرین و فرهنگی که بعدها در دره سند ظهور کرده است، بود. بنظر میرسد که عیلامیان خاور ایران احتمالاً از آنچه قبلاً تصور میرفت متمدن تر بوده اند جهت ارزیابی این مسأله باید مدارکی برای این رابطه مستقیم مورد پژوهش واقع شود و هم چنین کیفیت بازرگانی بین دره سند و بین النهرین کشف گردد. تعداد کمی اشیاء هنری متعلق به هارپا در نقاط باستانی

بین النهرین بدست آمده است و چون قسمت اعظم کارهای باستان شناسی آن سامان حداکثر تا یک قرن پیش صورت گرفته است شگفت نخواهد بود در باره محل اصلی و درجه قدمت چنین آثاری بطور ناقص اظهار نظر گردد - در بین النهرین ۶ مهر مسطح و دکنمه ای و یک مهر استوانه ای از نوع هاراپائی بدست آمده است و این اشیاء دلالت بر نوعی رابطه بین تمدنهای نامبرده میکند. تعدادی از این مهرها دارای خط هاراپائی بوده و بقیه نوشته هائی همراه با تصاویر انسانی دارد که سبک آنها بدون چون و چرا هاراپائی است. از قبیل یک اسب شاخدار فیل و کرگدن، که تمام آنها نشانه رابطه بین نواحی یاد شده است اما معلوم نیست که این روابط مستقیم بود یا غیر مستقیم. از قرار معلوم رابطه بین دره سند و بین النهرین همانند روابط بازرگانی بین النهرین با کشور هیتی ها نیست. همچنین مدارکی تا کنون بدست نیامده که مردم بین النهرین به دره سند مسافرت کرده یا در منطقه ای از آن ساکن شده و به کسب تجارت مشغول شده باشند و یا اینکه بعکس مردم هاراپا بدین عمل مبادرت ورزیده باشند. بنابراین مهرهای بازرگانان هاراپا در بین النهرین چه نقشی داشته است؟ نقش ۳ مهر که در اور بدست آمده و دو مهر که در کیش و دو دیگر که در تل اسمر پیدا شده است چه بود؟ تاکنون جواب قانع کننده ای برای پاسخ بدین پرسشها بدست نیامده است. تعدادی اشیاء دره سند را در بین النهرین یافته اند، چرا از همان نوع اشیاء ساخت بین النهرین در هیچ یک از نقاط دره سند بدست نیامده است؟

مدارکی دال بر تجارت مستقیم بین دو تمدن سند و بین النهرین با توجه به آثار و علائم مکشوفه بطور کلی بدست نیامده است. یکی از طرق تجارت که خیلی قدیمی و معمول بوده سیستم ساده

مبادله است . موقعیت تپه یحیی ایجاب میکند که این چنین روشی در آنجا برقرار بوده باشد و تصور میرود که تپه یحیی مرکزیت بازرگانی در جنوب شرقی ایران طی حکومت عیلامیان را داشته است .

نام نقاط باستانی بین‌النهرین که دارای ساغرهای سنگ صابونی مشابه ساغرهای تپه یحیی از حیث طرح و تزئینات بوده عبارتست از : ادب ، ماری ، تل‌اسمر ، تل‌عقرب ، خفاجه ، نیپور ، تللو ، کیش ، العبید ، اور - ساغرهای سبک تپه یحیی در موهنجودارو واقع در دره سند و در کولی دامب واقع در بلوچستان پاکستان نیز یافت شده است .

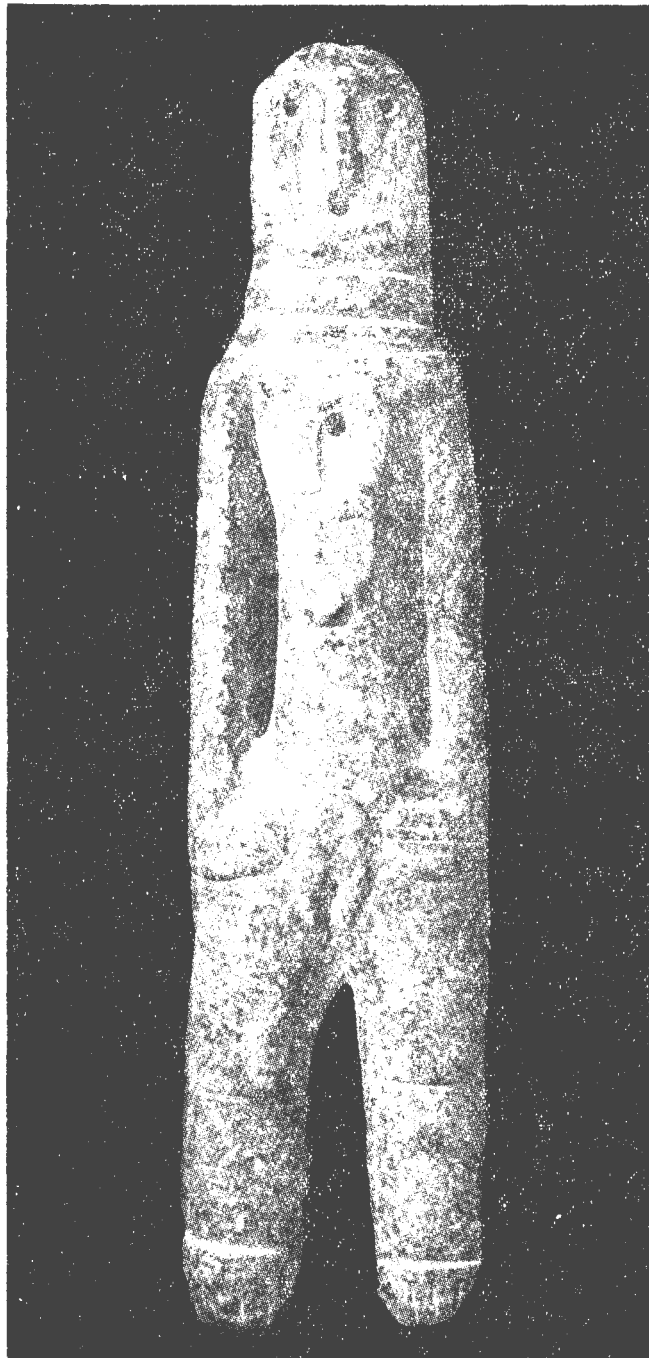
علاوه بر ساغرهای لب‌برگشته نوع اوروک در تپه یحیی که دلیلی بر روابط تپه یحیی با غرب است در این تپه مقادیری ظروف نوع نال که یک نوع ظروف سفالی منقوش در دره سند است نیز بدست آورده‌اند که قدمت آن پیش از ظهور تمدن هاراپا میباشد و این امر خود نشانه‌ای بر تماس تپه یحیی با نواحی خاوری بشمار میرود . با وجود این مراتب تپه یحیی تنها نقطه مرکزی جنوب خاوری ایران نبوده ، بلکه احتمالاً یکی از چندین نقطه گم شده حکومت مؤتلف سرزمینهای پهناور عیلامی واقع بین تمدن‌های شرق و غرب است . شهر سوخته واقع در ۲۵۰ مایلی (۴۰۰ وکسری کیلومتر) شمال شرقی تپه یحیی بنظر میرسد نقطه مرکزی دیگری باشد که صادر کننده مرمَر سفید و محل انتقال سنگ لاجورد از افغانستان به نقاط دیگر بوده است . نقاط رابط بین تپه یحیی و دیگر نقاط مرکزی احتمالاً نقاطی مثل تل‌ابلیس ، شهاداد و بمپور بوده که قبلاً به شباهت ظروف سفالی آنها اشاره شد .

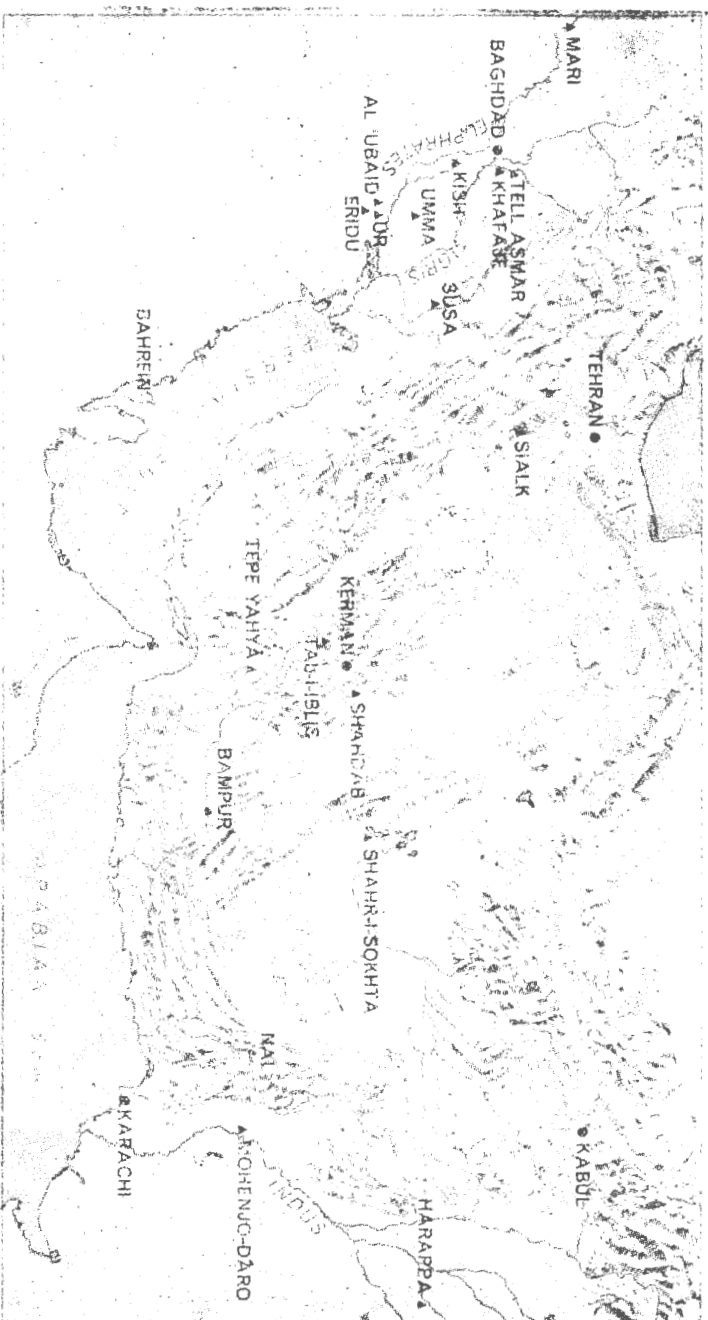
تصور می‌رود بازرگانی بین دره بین‌النهرین که از حیث مواد اولیه فقیر بوده با مردم ناحیه تپه یحییی موجبات فراهم شدن پایگاه اقتصادی و بازرگانی را برای بسط مدنیت در هزاره چهارم موجب گشته باشد و احتمالاً در تپه یحییی يك حوزه فرهنگی عیلامی بوجود آمده و بازرگانی این منطقه با نواحی شرقی انگیزه‌هایی را فراهم آورده که منجر به ظهور تمدن هاراپا در خلال هزاره سوم پیش از میلاد شده است .



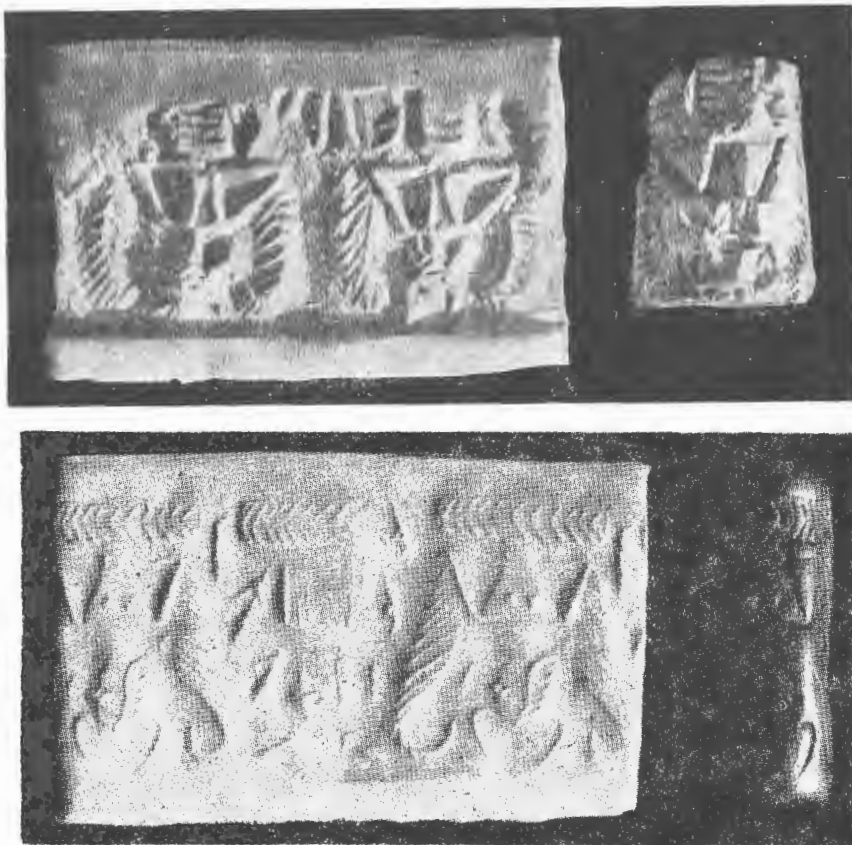
عکس ۱- منظره عمرهی تپه یحیی - این تپه که محیط دایره آن بیش از ۱۰ مایل میباشد و پنج هزار سال زندگی در آن جریان داشته و ارتفاع تقریبی آن ۶۰ پا میباشد در جنوب شرقی ایران واقع شده است . این محل نخستین بار توسط اجتماعی با تمدن نوسنگی در نیمه هزاره پنجم پیش از میلاد مورد سکونت قرار گرفت .

عکس ۲- پیکره‌ای از
جنس سنگ صابونی
مربوط به دوره
نوسنگی - این پیکره
همراه با آلات و ادوات
از جنس سنگ چخماق
و استخوان دریکی از
مخازن نخستین بناهای
تپه یحیی بدست آمد.
این پیکره ظاهراً
نمایشگر مشخصات
دوگانه و در واقع
مجسمه‌ای از يك المبه
میباشد که القاء کننده
يك سمبل مذهبی
است .





عکس ۳- در سمت چپ نخستین شهرهایی که در امپراطوری سومر در بین النهرین سفلی بوجود آمدند دیده میشود. قدیم ترین نمونه های خطی در سومر و عیلام در شهرهایی نظیر شوش و سیلک ظاهر شدند. کشف خطوط پرتو عیلامی در تپه یحیی که در بااصد مایلی شرق این مناطق قرار دارد نمودار وجود روابط بازرگانی بین این ناحیه ، با شهرهای بین النهرین میباشد که منجر به ظهور شهرهایی در این قسمت از ایران در هزاره چهارم پیش از میلاد و همچنین بعدها باعث گسترش تمدنهای شهری در دره سند گردید .



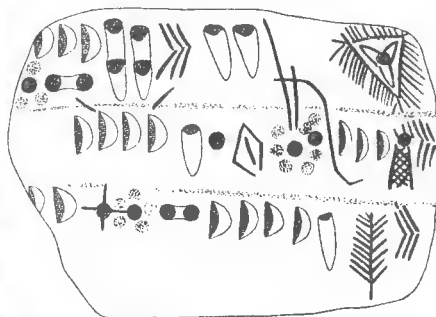
عکس ۴- دو مهر استوانه‌ای که از لایه پروتو عیلامی بدست آمد . نقش این مهرها نشان دهنده تصاویر انسانی با ضمائم مافوق طبیعی میباشد . این نقوش مشابه نقوش مهرهائی هستند که اصل آنها از بین‌النهرین است ولی بنظر میرسد که این دو اثر ساخت تپه یحیی میباشد .



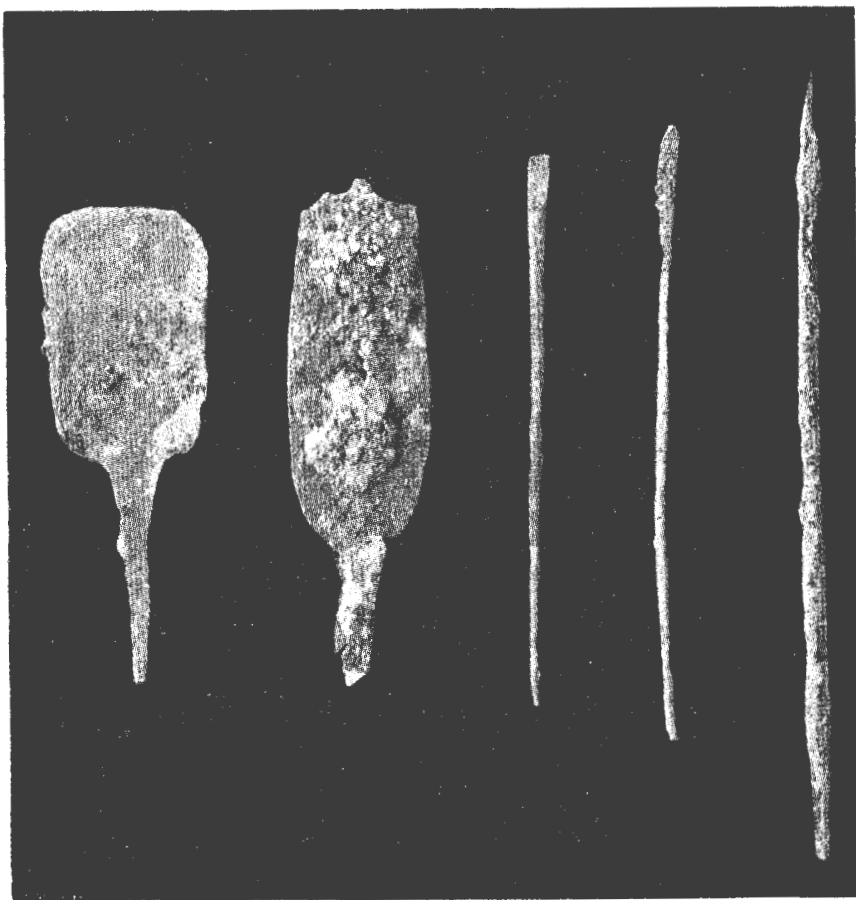
عکس ه - قدیمی ترین بناهای تپه یحیی بصورت انبارهای کوچکی به ضلع ه با میباشند. تعداد کمی از این بناها در گاه دارند. ظاهراً ورود و خروج از طریق روزنی که در سقف موجود بوده صورت میگرفته است. دیوارهای این اطاق ها از خشت های دست ساز بنا شده. دایره سفید که در سمت چپ مشاهده میشود نشان دهنده محلی است که یک پیکره زن از آنجا بدست آمده است.



عکس ۶ - در سمت چپ يك ساختمان دوره عیلامی که در تپه یحیی بنست آمده مشاهده میشود . دیوارهای این بنا که از خشت‌هایی به ضلع ۹/۵ اینچ ساخته شده حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد بنا گردیده جهت دیوارها از شمال به جنوب و از شرق به غرب است . دیوارهای ساختمان سمت راست دارای جهت قبلی نیست ، این بنا اندکی پس از ۳۰۰۰ هزار پیش از میلاد و از خشت بنا گردیده است. بنظر میرسد که ساختمان‌های مزبور هیچگونه جنبه سکونت نداشته بلکه نقش اداری داشته اند . ساختمان پیشین محتوی خمرها و پیمانه‌های سفالی بوده . در یکی از زوایای این ساختمان حفرةای محتوی ۸۴ لوح بدون نوشته دیده میشود .



عكس ۷- لوح‌های مكشوفه از تپه يحيى - تا بحال فقط ۶ لوح نوشته‌دار در تپه يحيى كشف گرديده است . اين نوشته ها از نوع خطوط پروتو عيلامى بوده و از راست بچپ بوسيله قلم نوك تيز بر متن گل نرم ايجاد شده است . مشابه اين نوشته‌ها در شوش و سيلك نيز بدست آمده است .



عکس ۸- اشیاء برنزی مربوط به دوره‌ای که تجارت اشیاء ساخته شده از سنگ صابونی در تپه یحیی رواج کامل داشته است . در سمت چپ دو اسکنه و در سمت راست ۳ شیئی بشکل سوزن دیده میشود . بزرگترین شیئی بطول تقریبی ۶/۵ اینچ است. این برنزها بصورت آلیاژ و ترکیب تهیه نشده‌اند، بلکه از مسی که طبیعتاً مقدار قابل توجهی آرسنیک داشته استفاده شده است .



عکس ۹- ساغرهای سنگ صابونی - تعداد زیادی از این اشیاء که ماهرانه تزئین شده در تپه یحیی بدست آمده است . این اشیاء در نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد در نواحی شرق و غرب این منطقه مورد دادوستد قرار میگرفته است . قطعاتی از این ساغر ها با همین نوع تصاویر و تزئینات در نواحی بین دره سند و بینالنهرین کشف گردیده است .



عکس ۱۰- پیکره کوچ از جنس سنگ مرمر مکشوفه از تپه یحیی ، مربوط به دوره اولیه شهرنشینی ، حدود ۳۸۰۰ پیش از میلاد .



عکس ۱۱- پیکره گلی مرد جنگی، مربوط به آخرین دوره اشکانی در تپه
یحیی، در عصری که يك پایگاه نظامی ساسانی بر فراز این تپه مستقر گردید.